

## تحول در ساختار اقتصاد روستایی

اصلاحات جابه‌جا شده بودند. نسبت آنها به شاغلین روستایی از ۱۰ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۲۳ درصد در سال ۱۹۸۸ افزایش یافت. به‌موازات آن نسبت نیروی انسانی بخش کشاورزی از ۹۰ درصد به ۷۷ درصد کاهش پیدا نمود. نسبت ارزش تولیدات غیر کشاورزی به ارزش مجموع تولیدات روستایی با آهنگ شدیدتری از ۳۰ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۵۳ درصد در سال ۱۹۸۸ رشد نشان داد.

واحد‌های روستایی نقش مهمی در توسعه اقتصاد روستایی، ایجاد فرصت‌های شغلی و افزایش سطح رفاه روستائیان ایفاء نمودند. شدت آهنگ جابه‌جایی نیروی انسانی کشاورزی از یک سو با برپایی واحد‌های روستایی و از سوی دیگر با افزایش بازده در بخش کشاورزی ارتباط دارد.

## توسعه سطح در آمد

در مقطع ده ساله پس از اعمال سیاست اصلاحات در روستاها، اقتصاد روستایی بسرعت توسعه یافت. در آمد سرانه کشاورزان از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰ از ۱۳۴ یوان در سال به ۶۳۰ یوان (حدود چهار برابر) افزایش داشت. آهنگ رشد در آمد در این مقطع ۱۴ درصد بود. تحت قیمت‌های ثابت، در آمد خالص ۱۱ درصد و در حد سه برابر سال ۱۹۷۸ رشد نشان داد. در مقایسه تطبیقی قابل توجه است که در آمد کشاورزان در فاصله سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۸ بطور متوسط فقط حدود ۴ درصد افزایش داشته است.

در مجموع، روند سرعت شدید رشد منجر به کاهش فقر در چین شد. بطور نسبی سهم خانوار کشاورزان فقیر (گروه با در آمد کمتر از ۲۰۰ یوان) که در سال ۱۹۷۸ برابر با ۸۳ درصد بود، در سال ۱۹۸۸ به ۸ درصد کاهش یافت. افزایش در آمد خانوار کشاورزان با گروه در آمدی سرانه بین ۲۰۰ تا ۵۰۰ یوان از ۱۷ درصد به ۵۶ درصد و خانواده‌های دارای در آمد سرانه خالص بیش از ۵۰۰ یوان که تا قبل از دوران اصلاحات وجود نداشت، ۳۶ درصد گروه در آمدی را شامل شدند. این روند نشان می‌دهد که در این مقطع وضعیت

شاخه اقتصاد روستایی در چین از بخش کشاورزی و غیر کشاورزی تشکیل می‌شود. بخش غیر کشاورزی یا واحدهای روستایی شامل صنایع روستایی، تجارت، ساختمان، حمل و نقل و رستوران‌داری است. بخش کشاورزی شاخه‌های تولیدات گیاهی، حیوانی، جنگل، شیلات و حرفه‌ها را در بر می‌گیرد.

اصلاحات کشاورزی در سال ۱۹۷۹ تأثیر شدیدی بر تحول ساختار تولید کشاورزی گذاشت. نسبت تولیدات گیاهی به کل ارزش تولیدات کشاورزی با محاسبه قیمت‌های جاری از ۷۷ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۵۶ درصد در سال ۱۹۸۸ کاهش یافت و به‌همان نسبت ارزش تولیدات در دیگر شاخه‌های کشاورزی از ۲۳ درصد به ۴۴ درصد افزایش پیدا نمود (جدول ۴).

## جدول ۴: تحول در ساختار تولیدات کشاورزی

درصد	۱۹۷۸	۱۹۸۸
شاخه تولید سال	۱/۶	۱۹/۸
اقتصاد شیلات	۳/۳	۵/۵
حرفه‌های فرعی	۱۵/۰	۲۷/۲
تولیدات دامی	۳/۴	۴/۷
تولیدات جنگل	۷۶/۷	۵۵/۹
تولیدات گیاهی		

مأخذ:

ZHONGGOU TONGJI NIANJIAN, Statistisches Jahrbuch Chinas. Jahrgänge 1989-1991, STAATLICHESAMT FÜR STATISTIK (Hrsg.), Beijing, 1991, S. 317.

شکوفایی تولیدات کشاورزی و سست کردن نظام خرید دولتی شرایط مناسبی برای توسعه حرفه‌های روستایی فراهم ساخت. از سال ۱۹۷۹، سالانه حدود ۶ میلیون نفر از بخش کشاورزی به شاخه‌های غیر کشاورزی روستایی جابه‌جا شدند. در سال ۱۹۸۸ تعداد نیروی انسانی شاغل در حرفه‌ها، بالغ بر ۱۰۰ میلیون نفر شد که از آن میان ۷۰ میلیون نفر طی سال‌های

# سیاست اصلاحات در اقتصاد روستایی چین

دکتر ناصر خادم آدم

بخش دوم

رفاهی کشاورزان فقیر بهبود یافته و حتی کشاورزان غنی نیز ثروتمندتر شدند.

در شرایطی که در آمد در بخش کشاورزی طی دوران سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۸ حدود ۲۰۰ درصد افزایش داشت، در همین مقطع در آمد غیر کشاورزی روستایی ۹۰۰ درصد یعنی بیش از چهار برابر سریعتر رشد نمود. در نتیجه درجه اهمیت در آمد کشاورزان در اقتصاد روستایی از ۸۵ درصد به ۶۳ درصد کاهش یافت و به موازات آن در آمد ناشی از اشتغال در خارج از بخش کشاورزی از ۷ درصد به ۲۷ درصد رسید. ترکیب عوامل مؤثر در افزایش در آمد در مقطع نامبرده، ناشی از ۳۶ درصد رشد تولید، ۴۵ درصد افزایش قیمت تولیدکنندگان و ۱۹ درصد حمایت‌های دولت بود.

سیاست اصلاحات در اقتصاد روستایی چین ضمن تأثیر بر افزایش در آمد، دارای نتیجه منفی و موجب عمیق تر شدن شکاف در آمدی در داخل دهات، میان مناطق روستایی و بین مناطق روستایی و شهری شد. بررسیهای مرکز تحقیقات دولتی چین و نمونه برداری آماری در ۳۷۵۰۰ ده مربوط به ده درصد از خانوارها نشان می دهد که شکاف در آمدی میان کشاورزان فقیر و غنی از ۵/۱ برابر در سال ۱۹۷۸ به ۶/۳ برابر در سال ۱۹۸۴ عمیق تر شد و سرعت روند آن برای سالهای ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۸ شدیدتر بوده و به نسبت ۷/۲ برابر رسید. دلایل تفاوت‌های در آمدی تنها منحصر به شرایط تولید و بزرگی تعداد خانوار نبوده بلکه به میزان توان مدیریت واحدهای تولیدی نیز مربوط می شود. خانواده‌های غنی، اغلب از امکانات مدیریت مناسبتری در مقایسه با خانوارهای فقیر برخوردار می باشند. دلایل آن بیشتر در ارتباط با امکانات کسب سطح بالای آموزش، قابل توجه است. اغلب اعضای خانواده‌های موفق کشاورزی در گروهی قرار دارند که در کنار آموزش‌های تحصیلی با دوران طولانی، از تجربیات و اطلاعات تکنیکی، فنی و حرفه‌ای

نیز برخوردار بوده‌اند. این خانواده‌ها به دلیل دارا بودن توانایی بالاتر، آمادگی مناسبی برای پذیرش فعالیتهای صنعتی و حرفه‌ای را دارند.

تفاوت‌های در آمدی در مناطق مختلف از جمله میان شرق و غرب نیز دیده می شود. در اغلب قسمت‌های شرق چین در آمد سرانه کشاورزان بیش از ۵۰۰ یوان است. در حالی که کشاورزان با درآمدهای کمتر از ۳۵۰ یوان در قسمت‌های غرب چین مستقر هستند. تفاوت‌های در آمدی از زمان اصلاحات بطور مطلق و نسبی زیادت‌تر شده است. در سال ۱۹۸۱ میانگین در آمد سرانه در شرق چین برابر ۲۷۶ یوان و در غرب چین ۲۰۴ یوان بود. تا سال ۱۹۹۰ افزایش در آمدی در شرق به ۸۶۰ یوان و در غرب به ۴۹۰ یوان بالغ شد. در نتیجه شکاف مطلق فاصله در آمدی که در سال ۱۹۸۱ حدود ۷۲ یوان بود در سال ۱۹۹۰ به ۳۷۰ یوان رسید. اگر شاخص در آمد روستایی در چین شرقی را برابر ۱۰۰ قرار دهیم، نسبت در آمد غرب آن در سال ۱۹۸۱ برابر ۷۴ درصد بود که برای سال ۱۹۹۰ این نسبت به ۵۷ درصد تقلیل یافت.

تفاوت‌های در آمدی میان شرق و غرب ناشی از اثرات عوامل طبیعی و اقتصادی است. در مناطق پرجمعیت شرق چین، زمین سرانه کشاورزی کوچکتر از مناطق غرب چین که فشردگی جمعیت کمتری دارد، می باشد. در مقابل، زمینهای شرق از نظر کیفیت دارای بار آوری مناسبتر نسبت به مناطق غرب است. این شرایط طبیعی شرق امکان بهره برداری مطلوبتر و دستیابی به بازدهی بیشتری از زمین را فراهم می سازد. حاصل ارزش تولید (بازده تولید) برای هر نفر نیروی انسانی کشاورزی در شرق دو برابر غرب چین می باشد.

چین شرقی به علت فشردگی زیاد جمعیت و کمبود نسبی زمین با مازاد نیروی انسانی مواجه بود. نتیجه آن سرعت بخشیدن به توسعه صنایع روستایی شد. علاوه بر آن با توجه به سابقه تاریخی از سال ۱۹۵۰ به علت سرمایه گذاری

### ● اصلاحات

کشاورزی در سال ۱۹۷۹، تأثیر شگرفی بر تحول ساختار تولید کشاورزی گذاشت؛ به نحوی که نسبت ارزش تولیدات گیاهی به کل تولیدات کشاورزی کاهش یافت و در مقابل، ارزش تولیدات دیگر شاخه‌های کشاورزی افزایش پیدا نمود.

کود شیمیایی از سال ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ حدود ۱۴۰ درصد افزایش یافت. با اینکه تعداد ماشین آلات در بخش کشاورزی بیشتر شد ولی به دلایل مختلف از جمله بهره‌برداری در حمل و نقل، کاربرد آنها برای آماده‌سازی زمین توسعه چندانی نیافت.

بهبود بهره‌وری از منابع کشاورزی بیشتر به قبول مسئولیت در چارچوب نظام تولید خانوادگی و نیز اثرات قیمت محصولات کشاورزی تولیدکنندگان مربوط می‌شد. فرصت‌های قبول مسئولیت و افزایش درآمد، عواملی بودند که با توجه به مناطق تولید و شرایط بازار، کشاورزان بر آن اساس می‌توانستند ترکیب تولید خود را انتخاب نمایند.

به موازات افزایش تولید، وضعیت تأمین مواد غذایی نیز بهبود یافت. نسبت کشاورزانی که با گرسنگی مواجه بودند از ۲۵ درصد در سال ۱۹۷۸ به ۳ درصد در سال ۱۹۹۰ کاهش یافت. از طرفی رایگانه‌های مواد غذایی جامعه شهری به‌استثنای گندم و روغن خوراکی برای دیگر محصولات حذف شد. مصرف گندم کشاورزان نسبت به غیر کشاورزان دو برابر بود. در مقابل غیر کشاورزان، حدود ۹۰ تا ۲۷۰ درصد بیشتر از کشاورزان مصرف تولیدات حیوانی داشتند. طبیعتاً تفاوت ساختار مصرف و تغذیه گران‌قیمت خانواده‌های شهری در مقایسه با خانوارهای روستایی در درجه نخست به تفاوت‌های درآمدی دو گروه مربوط می‌شود. این که جامعه شهری برای تأمین دیگر هزینه‌ها از جمله مسکن، حمل و نقل و خدمات بهداشتی از رایگانه‌های دولت بهره‌مند می‌شدند، ولی روستائیان از محل درآمد خصوصی مجبور به پوشش آن بودند، در تفاوت ساختار سبد مصرف بین دو گروه نقش داشت.

با اینکه تولید کل و سرانه در مقطع ده ساله مورد بررسی بشدت افزایش یافت اما میزان آن هنوز جوابگوی کامل تقاضا نبود. این تصویر نه تنها در مورد تولیدات حیوانی بلکه برای

دولتی برای صنایع شهری، امکانات تکنیکی و زیربنایی مناسبی از جمله در حمل و نقل و امکانات فروش و توزیع محصول در این منطقه فراهم آمد. برعکس در قسمت غرب چین که دارای ویژگی جمعیت کم و واحدهای بزرگتر کشاورزی می‌باشد، اقتصاد متکی به شرایط طبیعی و شاخه‌های اقتصاد سنتی تکامل قابل توجهی نیافت. بنحوی که منطقه با مازاد نیروی انسانی مواجه نیست و عوامل انگیزشی برای برپایی صنایع روستایی محدود و کمتر از مناطق شرق چین بود. ضعف توسعه صنایع شهری در غرب چین، بر توسعه صنایع روستایی نیز تأثیر منفی داشت. این روند تفاوت‌های منطقه‌ای، باعث شد که در شرق چین ۶۰ درصد ارزش تولید روستایی از شاخه غیر کشاورزی حاصل شود ولی، این نسبت برای غرب چین در سطح ۳۰ درصد محدود بماند.

اصلاحات چین بر نسبت درآمدهای روستایی به شهری تأثیر چندانی نداشت. این نسبت که در سال ۱۹۷۸ برابر با ۴۲ درصد بود برای سال ۱۹۹۰ فقط در سطح ۴۵ درصد افزایش یافت، با این ملاحظات که در آمار چین بسیاری از امتیازات شهری از جمله امکانات استفاده رایگان از خدمات بهداشتی و رایگانه مواد غذایی نیز ملحوظ نشده است. در صورت مدنظر داشتن آمار این شاخصها در محاسبات، نبود تعادل و شکاف در آمد عمیقتری میان روستا و شهر قابل رؤیت خواهد بود. در نتیجه اصلاحات کشاورزی از سال ۱۹۷۹ تولیدات کشاورزی بطور قابل ملاحظه‌ای افزایش یافت. محصولات مهم بین سالهای ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۰ بین ۳۶ تا ۱۵۵ درصد افزایش تولید داشتند. متوسط افزایش تولید سرانه روستایی نیز بر حسب محصولات مختلف بین ۲۰ تا ۱۳۷ درصد بود.

افزایش تولید در درازمدت به علت استفاده بیشتر از نهاده‌های کشاورزی و بهره‌وری مطلوبتر از منابع حاصل شد. از جمله مصرف

● شکوفایی تولیدات کشاورزی و سست شدن نظام خرید دولتی، شرایط مناسبی برای توسعه حرفه‌های روستایی در چین فراهم ساخت

## جدول ۵: میزان تولید محصولات اساسی کشاورزی

سال تولید	کل	سرانه روستایی			نسبت سال ۹۰ به ۸۰ (درصد)
		۱۹۸۵	۱۹۸۰	۱۹۹۰	
گندم	۳۲۱	۳۷۹	۴۳۵	۱۲۰	۱۳۶
پنبه	۲/۷	۴/۱	۴/۳	۱۴۳	۱۵۹
دانه‌های روغنی	۷/۷	۱۵/۸	۱۶/۱	۱۸۰	۲۰۹
گوشت	۱۲/۱	۱۷/۶	۲۵/۰	۱۸۰	۲۰۷

مأخذ:

ZHONGGOU TONGJI NIANJIAN, Statistisches Jahrbuch Chinas. Jahrgänge 1989-1991, STAATLICHESAMT FÜR STATISTIK (Hrsg.), Beijing, 1991, S. 30, 446.

## جدول ۶: تغییرات عوامل تولید در اقتصاد کشاورزی

عوامل تولید	سال	۱۹۸۰-۱۹۸۸			۱۹۷۹
		۱۹۸۹	۱۹۸۸	۱۹۸۰	
کود شیمیایی	میلیون تن	۲۳/۶	۱۷/۱	۱۰/۹	۲۵/۹
زمین کشت شده با ماشین آلات	میلیون هکتار	۴۲/۲	۳۶/۸	۴۸/۳	۴۲/۶
زمین کشت شده با آبیاری	میلیون هکتار	۴۵/۰	۴۴/۲	۴۷/۵	۴۴/۹
عملکرد کل ماشین آلات بکار گرفته شده	(میلیاردوات)	۱۳/۴	۱۹/۹	۲۸/۷	۲۸/۱

مأخذ:

ZHONGGOU TONGJI NIANJIAN, Statistisches Jahrbuch Chinas. Jahrgänge 1989-1991, STAATLICHESAMT FÜR STATISTIK (Hrsg.), Beijing, 1991, S.323,331.

## جدول ۷: مصرف مواد غذایی سرانه - سال (کیلوگرم)

محصول	کل جمعیت		غیر کشاورزان		کشاورزان	
	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰	۱۹۸۱	۱۹۹۰
گندم	۲۱۹	۲۳۹	۱۴۵	۱۳۱	۲۵۶	۲۶۲
روغن خوراکی	۳/۰	۵/۷	۴/۸	۶/۴	۳/۱	۵/۲
گوشت*	۱/۱**	۱۶/۶**	۱۸/۶	۲۱/۷	۸/۷	۱۱/۳
مرغ	۰/۸	۱/۸	۱/۹	۳/۴	۰/۷	۱/۳
تخم مرغ	۲/۴	۶/۳	۵/۲	۷/۳	۱/۳	۲/۴
سبزی	۰	۰	۱۵۲	۱۳۹	۱۲۴	۱۳۴
شکر	۴/۱	۰	۲/۹	۲/۱	۱/۱	۱/۵

مأخذ:

ZHONGGOU TONGJI NIANJIAN, Statistisches Jahrbuch Chinas. Jahrgänge 1989-1991, STAATLICHESAMT FÜR STATISTIK (Hrsg.), Beijing, 1991, S. 273, 287, 303.

\* گوشت خوک - گاو و گوسفند

\*\* گوشت خوک

● واحدهای روستایی  
نقش مهمی در توسعه  
اقتصاد روستایی، ایجاد  
فرصت‌های شغلی و  
افزایش سطح رفاه  
روستاییان چین ایفا  
نموده‌اند.

که شرایط توسعه سریع را بعد از سال ۱۹۷۸ فراهم کردند، همچنان کاسته خواهد شد، استمرار افزایش تولید نیازمند سرمایه‌گذاری و بهبود شرایط تولید است. کود شیمیایی حدود ۸۰ درصد نیاز داخلی را جابگو می‌باشد. مواد سوختی با کمبود مواجه است. مواد دفع آفات گیاهی و نیز ماشین‌آلات و ابزار سازوار با واحدهای کوچک، در حد کافی موجود نیست. در نتیجه توسعه صنایع مربوط به نهادهای کشاورزی و تنظیم بازارهای آن از جمله شرایط لازم برای استمرار توسعه کشاورزی در این کشور محسوب می‌شود.

### ارزشیابی اصلاحات روستایی از دیدگاه قواعد نظری

پس از اصلاحات سال ۱۹۷۹ کشور چین نه تنها از نظر ایدئولوژیک، بلکه در اقتصاد نیز همچنان نمونه‌ای متمایل به نظام سوسیالیستی است. عوامل دولتی در مالکیت دولت می‌باشد. تصمیمات اقتصادی متمرکز بوده و جریان گردش اقتصادی در بسیاری از زمینه‌ها تحت تأثیر مکانیسم برنامه‌ریزی متمرکز قرار دارند. این قواعد برای کشاورزی چین نیز صادق است. زمین بعنوان مهمترین عامل تولیدی، منابع آب و تأسیسات آبیاری در بسیاری از قسمتهای چین تحت مالکیت عمومی است. نهادهای کشاورزی چون کود شیمیایی و مواد دفع آفات، ابزار و تکنیک کشاورزی، مواد سوختی و انرژی تحت برنامه‌ریزی دولت تولید گردیده و توزیع آن براساس ضوابط خاص، بخصوص در ارتباط با میزان غلات تحویلی به دولت انجام می‌گیرد. در عین حال از دیدگاه قواعد اقتصادی، بخش کشاورزی چین را بطور مطلق نمی‌توان در طبقه‌بندی نظام اقتصادی سوسیالیستی قرار داد. تولیدکنندگان کشاورزی در چارچوب ضوابط معینی از جمله در ارتباط با بزرگی واحد تولیدی و دستور عمل خرید دولتی بطور مستقل از زمین بهره‌برداری می‌کنند، دامپروری می‌نمایند،

تولیدات گیاهی و بخصوص گندم نیز صدق می‌کرد. هدف اصلی سیاست کشاورزی چین همچنان تأمین مواد غذایی از منابع تولید داخلی و ناوابستگی کامل به واردات می‌باشد. تجارت مواد غذایی با خارج از کشور نباید کاملاً قطع شود، بلکه باید جریان تعادلی داشته باشد و در عین حال نمی‌بایست یک جانبه اعمال و باعث وابستگی شود. در حقیقت سیاست کشاورزی بخشی از استراتژی امنیت غذایی است. از این دیدگاه کشور چین با توجه به آن که تنها با ۷ درصد سطح کشت، ۲۲ درصد جمعیت جهان را تغذیه می‌نماید، در دستیابی به این هدف، روند موفقیت آمیزی را نشان می‌دهد.

در مقایسه با قیمت‌های تعیین شده از سوی دولت برای مصرف کنندگان جامعه شهری، قیمت‌های جهانی غلات در سطح بالاتری قرار دارد. نظر به اینکه غلات وارداتی در سطح قیمت‌های مصرف کنندگان عرضه می‌شود، دولت باید رایگانه سنگینی را برای پرداخت تفاوت قیمت خرید و فروش آن تحمل کند. این خود دلیلی بر محدود کردن میزان واردات و جلوگیری از انبساط آن است. سیاست کاهش واردات حتی در صورتی هم که قیمت‌های جهانی سقوط کرده و از سطح داخلی پایتتر قرار گیرد استمرار خواهد یافت، زیرا افزایش تقاضای مصرف کنندگان چین که جمعیتی بیش از یک میلیارد را تشکیل می‌دهند، در سرعت بخشیدن به افزایش قیمت‌های جهانی نیز تأثیر خواهد گذاشت. هدف سیاست اقتصادی چین مبنی بر تأمین مواد غذایی جامعه، با قیمت‌های مناسب، طبیعتاً باید با تحولات اقتصادی در سطح بین ملل هماهنگ باشد.

با وجود موفقیت‌های چشمگیر در توسعه کشاورزی چین پس از اصلاحات سال ۱۹۷۹، باید توجه داشت که محدودیتهایی برای ادامه اصلاحات وجود دارد که، بر طرف کردن آنها تنها از طریق تحولات ساختاری امکان‌پذیر خواهد بود. نظر به اینکه از ظرفیتهای منابع تولید سنتی

● در نتیجه اصلاحات روستایی، در آمد سرانه کشاورزان چینی از سال ۱۹۷۸ تا ۱۹۹۰ تقریباً چهار برابر شد حال آنکه در فاصله سال‌های ۱۹۴۹ تا ۱۹۷۹ بطور متوسط فقط حدود ۴ درصد افزایش یافته بود.



سرمایه‌گذاری مورد نیاز را انجام می‌دهند و سهمی از محصولات خود را به بازار عرضه می‌نمایند. در مجموع آنها با مسئولیت شخصی به تولید می‌پردازند.

قواعد اقتصادی مربوط به قبل از اصلاحات ۱۹۷۹ بر اساس این نظریه پایه‌گذاری شده بود که اقتصاد کشور، یک اقتصاد متکی به تولید محصول که وظیفه‌اش محدود به تأمین کالاها و خدمات برای بازار باشد، نیست بلکه، طبیعت «اقتصاد تولیدی» دارد. این نظریه بیشتر از مکتب کارل مارکس اقتباس شده، و در عین حال محتوی عناصری از الگوی اقتصاد شوروی بود و نیز از تجربیات ارتش کمونیستی مربوط به نظام تأمین کالا در زمان جنگ داخلی چین متأثر بود.

از سال ۱۹۷۹ چارچوب نظری «اقتصاد تولید» جای خود را به «اقتصاد کالا» سپرد. نظریه اقتصاد کالا همراه با نظریه سوسیالیستی مقطع بنیانگذاری چین، عناصر اصلی قواعد نظام اقتصادی جدید را فراهم نمود. بدین ترتیب عناصر سنتی مارکس و لنین و نیز نظریه اقتصادی مارکس کنار گذاشته شد. چارچوب اصلاحات در موضع‌گیری اساسی ایدئولوژیک، از اهمیت خاصی برای تنظیم مجدد قواعد مالکیت روستایی و ساختار جدید نظام هماهنگ برخوردار است.

با توجه به زمینه جدید ایدئولوژیک، تصور قبلی مبنی بر اینکه هر اندازه واحدها بزرگتر باشند و هر قدر نهادهای تولید بیشتر در مالکیت عمومی باشد، اقتصاد از ویژگی سوسیالیستی مناسبتری برخوردار خواهد بود، از معیار ارزشی خارج و تأکید بر مالکیت خصوصی جانشین آن شد. پس در فلسفه اصلاحات، ارزشیابی مالکیت عمومی تابعی از وسعت واحدهای اشتراکی و سطح مالکیت عمومی نیست، بلکه وجود ظرفیتهای تولیدی و چگونگی استفاده از عوامل انگیزشی برای تحرك نیروی انسانی بنحوی که بتوان بهره‌وری

در بهره‌برداری از منابع تولید را بهینه ساخت دارای بار ارزشی است. طرح جدید محتوی عناصری بود که، شرط لازم برای تنظیم قواعد تشکیل انواع مالکیت و نیز تفکیک حقوق استفاده از عوامل تولید و نیز نحوه مالکیت بر عوامل را فراهم می‌ساخت. تفسیر تفکیک بدان معنی است که حقوق مالکیت جمعی بر زمین محفوظ خواهد ماند ولی حق استفاده از آن به خانواده‌های روستایی واگذار خواهد شد. بدین ترتیب مالکیت‌های جمعی گذشته در حد وسیعی جایشان را به انواع دیگر مالکیتها سپردند. عامل تولیدی زمین همچنان در مالکیت عمومی باقی ماند. در عمل تنها ۴ درصد از سطح قابل کشت کشاورزی به شکل واحدهای دولتی مورد استفاده قرار می‌گیرند. حقوق مالکیت بر دیگر عوامل تولید، به اشکال مالکیت عمومی، جمعی، خصوصی و ترکیبی از آنها وجود دارد. در روند تغییرات، سرعت رشد مالکیت خصوصی و ایجاد مالکیت‌های ترکیبی قابل توجه بوده است. در سال ۱۹۸۵ مالکیت خصوصی حدود ۵۵ درصد ارزش عوامل تولیدی کشاورزی را (بدون عامل تولیدی زمین) شامل می‌شد.

ترکیبی از اشکال مالکیت مختلف زمینه ایجاد مالکیت‌های تلفیقی را فراهم ساخت. در انواع جدید، شرایط حقوقی متفاوت، از جمله پیوستگی بین خانوارهای روستایی، میان کشاورز و صنایع روستایی، ترکیبی از کشاورزان و واحدهای دولتی و نیز تجمع صنایع روستایی، صنایع دولتی و حتی در بعضی از مناطق شکل حقوقی ترکیبی از کشاورزان یا تجمع روستائیان با واحدهای خارجی ایجاد شده است.

### مسائل و ضرورت اقدامات جدید

نظام متکی بر مسئولیت فامیلی در مجموع نقش بسیار مهمی در توسعه تولیدات کشاورزی و افزایش درآمد کشاورزان ایفاء نمود. نظر به اینکه این نظام مورد استقبال کشاورزان قرار گرفته، پیش‌بینی می‌شود در آینده به اهمیت آن

● سیاست اصلاحات در اقتصاد روستایی چین ضمن بالا بردن درآمد روستائیان، نتیجه‌ای منفی هم داشت و موجب عمیق‌تر شدن شکاف درآمدی در داخل دهات، میان مناطق روستایی و بین مناطق روستایی و شهری شد.

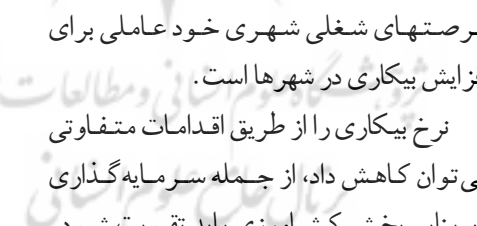
افزوده شود. در عین حال به علت برقراری این نظام مسائل جدیدی به وجود آمد و نیز بر شدت بعضی از مشکلات افزوده شد بنحوی که، موانعی در سد کردن راه بهره‌برداری بیشتر از ظرفیتهای بازدهی به شرح ذیل ایجاد کرد:

### الف - بیکاری

در کمونهای مردمی که قبلاً بیکاری پنهان وجود داشت پس از برقراری نظام مسئول، دامنه آن مشخص تر شد. از ۸۰۰ میلیون نفر جمعیت ساکن در مناطق روستایی، حدود ۴۰۰ میلیون شاغل می‌باشند. از این تعداد ۲۰۰ میلیون نفر در واحدهای کوچک کشاورزی و با ویژگی بازدهی کم فعالیت دارند. حدود ۹۳ میلیون نفر در صنایع روستایی از فرصتهای شغلی استفاده می‌کنند. حدود ۱۰۰ میلیون نفر باقیمانده بطور فصلی و در زمانهای کاشت و برداشت در بخش کشاورزی اشتغال کامل داشته و در دیگر ماههای سال ظرفیت آنها بطور کامل مورد بهره‌برداری قرار نمی‌گیرد. این شرایط کم کاری و نبود فرصت اشتغال کامل از علل مهم پائین بودن در آمد سرانه، همچنین دلیلی برای رشد رفتارهای خارج از معیارهای اخلاقی و وقوع عملیات جنایی در روستاها می‌باشد. از طرفی افزایش تقاضای روستائیان برای کسب فرصتهای شغلی شهری خود عاملی برای افزایش بیکاری در شهرها است.

نرخ بیکاری را از طریق اقدامات متفاوتی می‌توان کاهش داد، از جمله سرمایه‌گذاری زیربنایی بخش کشاورزی باید تقویت شود. اقدام در این زمینه به عنوان مثال از طریق بسط تأسیسات آبیاری، زهکشی و برپایی نیروگاههای کوچک عملی است. این اقدامات علاوه بر تقویت ظرفیتهای زیربنایی از ویژگی اشتغال‌زایی برخوردار بوده و فرصتهای شغلی را افزایش خواهد داد. از زمان اصلاحات (۱۹۷۹) به این نوع سرمایه‌گذارها کمتر توجه شده است. به منظور تحول در توسعه روستایی باید اقدامات زیربنایی احیاء و طرحهای متکی بر اصول

● اغلب اعضای خانواده‌های موفق کشاورزی در چین در گروهی قرار دارند که در کنار آموزش‌های تحصیلی طولانی مدت، از تجربیات و اطلاعات فنی و حرفه‌ای هم برخوردار بوده‌اند.



هماهنگ نبوده و برای بسیاری از افراد جامعه روستایی توان و کاربرد آن برای مراحل عملی امکان‌پذیر نیست.

#### د - پسروی عامل انگیزشی سرمایه‌گذاری

در اواخر دهه ۱۹۸۰ از میزان اعتبارات دولت برای سرمایه‌گذاری، پرداختها و اعطاء وامها و نیز سرمایه‌گذاری منطقه‌ای و سرمایه‌گذاری مستقل توسط کشاورزان بمنظور توسعه بخش کشاورزی کاسته شد. کاهش سرمایه‌گذاری دلایل متعددی داشت. از سوی دولت مرکزی این فرضیه مطرح می‌شد که نظر به افزایش قیمت تولیدات کشاورزی از سال ۱۹۷۹، ضرورت سرمایه‌گذاری دولتی در بخش منتفی می‌باشد.

این فرضیه مطرح شد که بخش کشاورزی باید خود قادر به تأمین سرمایه‌گذاری در این بخش باشد. از سویی این تفکر در مسئولان منطقه حاکم بود که با توجه به امکانات محدود منابع، اولویت دادن سرمایه‌گذاری در بخش صنعت نسبت به کشاورزی عملکرد مناسبتری خواهد داشت. کشاورزان نیز بیشتر تمایل به سرمایه‌گذاری در بخشهای غیر کشاورزی نشان می‌دادند. علاوه بر آن تغییرات مکرر اشتغال در شاخه‌های متفاوت اقتصادی، ضریب آمادگی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی را کاهش می‌دهد. تحت این شرایط بسیاری از کشاورزان سیاست دستیابی به سود کوتاه مدت را انتخاب می‌کنند. بدین ترتیب از سرمایه‌گذاریهای درازمدت غافل می‌مانند.

برای ایجاد انگیزه در کشاورزان در آینده باید شرایط اقتصادی و حقوقی سرمایه‌گذاری اصلاح شود. از اقدامات مناسب، بسط دوران حق استفاده از زمین و نیز استمرار و افزایش قیمت‌های محصولات تولیدکنندگان می‌باشد. سرمایه‌گذاریهایی زیربنایی از جمله ایجاد صنایع نهاده‌های کشاورزی، حمل و نقل، توسعه حجم انبارها و صنایع تبدیلی و نیز تأسیسات آبیاری باید هر چه وسیعتر زیر پوشش مسئولیت دولت انجام پذیرد. برای زمینه‌های بازاررسانی صنایع تبدیلی و

تولیدکنندگان واحدهای کوچک و پراکنده، کشاورزان فاقد قدرت تأثیرگذاری بر بازار بودند. در نتیجه مجبور به پذیرش قیمت‌های داده‌ها و ستانده‌های تعیین شده کشاورزی می‌شدند. به‌منظور بهبود بخشیدن به توسعه بخشهای صنعت و خدمات، می‌بایستی در جوار سرعت بخشیدن به توسعه شاخه‌های اقتصادی داده‌ها و ستانده‌های بخش کشاورزی، یک نظام ترویجی پر تحرک فعال شود. همچنین تشکیلات روستاها تجدید بنا شده و توسعه یابد. پس از انحلال کمونهای مردمی فقط در دو سوم روستاها کمیته‌های روستایی تشکیل شد. بقیه دهات فاقد تشکیلاتی می‌باشند که وظیفه عملیات مربوط به دفع آفات گیاهی و آبیاری را بعهده داشته باشند، یا خدماتی از جمله توصیه‌ها و قواعد مربوط به تکنیک‌های تولید را به کشاورزان ارائه کنند. در نتیجه برای برنامه‌های مورد علاقه عمومی روستائیان مسئولیت بعهده افراد یا سازمان خاصی نیست.

#### ج - کمتر توسعه‌یافتگی نظام خدمات روستایی

اقتصاد روستایی از شروع اصلاحات، توسعه موفقیت‌آمیزی داشت. در عین حال نظام ساختار اجتماعی روستایی با این روند هماهنگ نشد. نارسایی ساختار اجتماعی، مربوط به ضعف شاخه‌های آموزشی و بهداشتی از جمله کمبود مدارس و خدمات بیمارستانی، و نیز وضعیت فقر روستایی است. مهمترین نارسایی در نبود نظام تأمین اجتماعی سالمندان است. بمنظور رفع این ضعف و سرعت بخشیدن به توسعه نظام اجتماعی، برقراری بیمه درمانی و حوادث ضروری است. ایجاد نظام تأمین اجتماعی سالمندان دارای اهمیت می‌باشد. همچنین اصلاحات در نظام آموزشی روستایی با هدف بهبود بخشیدن به کمیت و کیفیت دانش روستائیان در گروه برنامه‌های دارای اولویت قرار دارد. در شرایط کنونی کیفیت آموزشی در سطحی است که با سطح توسعه روستایی

● شریک چین به علت فشرده‌گی زیاد جمعیت و کمبود نسبی زمین با مازاد نیروی انسانی مواجه بود که برای برطرف ساختن آن، توسعه صنایع روستایی در این ناحیه سرعت گرفت.



## جدول ۸: سهم مالکیت خصوصی بر ابزار و ماشین آلات کشاورزی در چین در سال ۱۹۸۵

«درصد»

نوع مالکیت	مالکیت خصوصی	انواع دیگر مالکیتها
ابزار و ماشین آلات	۶۱/۸	۳۸/۲
تراکتورهای بزرگ و متوسط	۸۹/۰	۱۱/۰
تراکتورهای کوچک	۶۰/۵	۳۹/۴
ماشین درو	۶۱/۸	۳۸/۹
کامیون	۵۱/۲	۴۸/۸
موتور مولد نیرو برای آبیاری	۵۱/۴	۴۸/۶
موتور پمپ		

\* انواع دیگر مالکیتها عبارتند از مالکیتهای دولتی-اشتراکی و ترکیب تلفیقی.

مأخذ: استخراج شده از جزوه

Die ' Chinesische ländliche Wirtschaftssystemreform, S.160.

## جدول ۹: ساختار سرمایه گذاری در بخشهای اقتصادی در دهه ۱۹۸۰

درصد

بخش اقتصادی	کشاورزی			سال
	اقتصاد	صنایع سبک	صنایع سنگین	
	۶/۶	۸/۴	۳۹/۰	۱۹۸۱
	۶/۱	۸/۴	۳۸/۵	۱۹۸۲
	۶/۰	۶/۵	۴۱/۰	۱۹۸۳
	۵/۰	۵/۷	۴۰/۳	۱۹۸۴
	۳/۳	۵/۹	۳۵/۷	۱۹۸۵
	۳/۰	۷/۰	۳۸/۲	۱۹۸۶
	۳/۱	۷/۴	۴۳/۲	۱۹۸۷
	۳/۰	۷/۴	۴۴/۸	۱۹۸۸

مأخذ:

ZHONGGOU TONGJI NIANJIAN, Statistisches Jahrbuch Chinas. Jahrgänge 1989-1991, STAATLICHESAMT FÜR STATISTIK (Hrsg.), Beijing, 1991, S. 487.

## جدول ۱۰: نظام هماهنگ روستایی (راههای فروش در ارتباط با نوع قیمت و گروه محصولات)

گروه محصولات - سال			نوع قیمت	راههای فروش
از ۱۹۸۵	۱۹۷۹-۱۹۸۴	قبل از ۱۹۷۹		
(آ)	(آب)	(آب)	قیمت ثابت	خرید دولتی
(آب)	(آب)	(ج)	قیمت هدایتی	صنایع تبدیلی
(آب)ج	(ب)ج	(ب)ج	قیمت هدایتی	بازار روستایی
(آب)ج	(آب)ج	(ب)ج	قیمت بازار	

توضیح - (آ) = غلات، پنبه و دانه های روغنی (ب) = تولیدات حیوانی، چای، تنباکو، چغندر قند،

گیاهان دارویی، سبزیها و ... (ج) = تمامی محصولات کشاورزی به استثناء گروههای (آ) و (ب).

مأخذ: تنظیم جدول بر اساس جمع آوری اطلاعات آماری.

● در نتیجه اصلاحات کشاورزی از سال ۱۹۷۹، تولیدات کشاورزی بطور قابل ملاحظه ای افزایش یافت که علت آن در درازمدت، استفاده بیشتر از نهاده های کشاورزی و بهره وری مطلوب تر از منابع بود.

تجارت می‌توان از سرمایه‌گذارهای تعاونی استفاده نمود.

### تنظیم مجدد نظام هماهنگ

با شروع اصلاحات، چارچوب نظام هماهنگ با این دیدگاه طراحی شد که اقتصاد سوسیالیستی نوعی برنامه‌ریزی اقتصاد کلان است، ضمن آنکه باید ارتباط برنامه و بازار در این نظام هماهنگ شود. در این اقتصاد، برنامه ضرورتاً به مفهوم فرماندهی متمرکز نیست، بلکه می‌تواند طبیعت پیشنهادی داشته باشد. برنامه تنها به فعالیتهای مهم اقتصادی منحصر می‌شود. در عین حال اقتصاد کالا و تنظیم آن از طریق بازار نیز برای نظام اقتصادی ضرورت دارد. این تصویر تحت عنوان نظریه «پیوند برنامه و بازار» شناخته شده است. در چارچوب این برداشت اقتصاد روستایی از تاریخ اصلاحات سال ۱۹۷۹ از طریق به‌کارگیری وسیله‌های اقتصادی هماهنگ شده است. در حالی که قبل از اصلاحات تولید در کشاورزی، منحصرأ با اعمال فرمان دولتی هدایت می‌شد. جدول ۱۰ نشان‌دهنده تفاوت‌های نظام قدیم و جدید می‌باشد. مشخصات نظام هماهنگ جدید، در اهمیت و ویژگی تفاوت‌های انواع قیمت‌های تولیدکنندگان و نیز تفکیک بازار محصولات کشاورزی می‌باشد. در نتیجه اصلاحات کشاورزی، اهمیت نظام قیمت‌گذاری برنامه‌ریزی شده و متمرکز، کاهش یافت. بر اساس این قیمت‌ها در سال ۱۹۷۹ محصولات گروه آ و ب در کل با قیمت‌های ثابت دولتی خریداری می‌شد. پس از اصلاحات قیمت‌های هدایتی و قیمت‌های بازار روستایی از اهمیت برخوردار شدند.

در سال ۱۹۷۹ تنها بخشی از محصولات گروه ج در بازارهای روستایی به‌فروش می‌رسید. بعدها کشاورزان مجاز شدند که تمامی محصولات این گروه را از طریق بازار عرضه نمایند. نظام قیمت‌های نازل و ثابت دولتی برای تحویل اجباری و نیز قیمت‌های هدایتی (غلات، پنبه، دانه‌های روغنی) باعث جابه‌جایی

درآمد از بخش کشاورزی به بخش‌های غیر کشاورزی شد. هر اندازه فاصله میان قیمت‌های بازار آزاد و ثابت دولتی زیادتر باشد به همان نسبت جریان انتقالی بیشتر تحقق می‌یابد. قواعد اقتصاد بازار با وجود برقراری نظام تحویل اجباری محصولات کشاورزی، دارای نقش هدایتی بسیار مؤثری است.

در مجموع، آرایش جدید نظام هماهنگ باعث شد که ساختار اقتصادی روستایی بهبود یابد. نقش قیمت‌های بازار روستایی تقویت شود؛ با وجود درآمد نسبی کم، بطور مطلق درآمد کشاورزان افزایش پیدا نماید؛ شبکه بازاری رسانی توسعه یافته و تأمین مواد غذایی جامعه بهتر شود. این جریان می‌توانست با به‌کارگیری سیاست از میان برداشتن نظام تحویل اجباری، آزادسازی کامل قیمت‌های محصولات کشاورزی و کاهش روند انتقال درآمد کشاورزی تسریع شود. در عین حال مسائلی به شرح ذیل برای بخش کشاورزی باقی ماند:

#### الف) افزایش قیمت نهاده‌های کشاورزی

قیمت کود شیمیایی، سموم دفع آفات و مواد سوختی در مقطع اصلاحات حدود ۵۰ تا ۴۰۰ درصد بیشتر از قیمت غلات افزایش یافت. در سال ۱۹۸۶ حدود ۷۵ درصد افزایش خرید محصولات تحویلی که نتیجه‌اش افزایش درآمد کشاورزان بود، مجدداً به علت افزایش قیمت‌های نهاده‌های کشاورزی خنثی می‌شد.

#### ب) نامناسب شدن انتظارات دولتی

به علت برقراری قیمت‌های تضمینی دولتی برای میزان محصول تحویلی، بخصوص در مورد گندم و بعضی از محصولات دیگر، امکانات سوددهی، محدود بود. در حالی که برای تولیدات حیوانی به علت وجود قیمت‌های آزاد و افزایش تقاضای ناشی از بهبود درآمد، فرصت مناسبی برای افزایش سوددهی وجود داشت. نسبت درآمد نیروی انسانی تولیدکننده غلات

● کشور چین که تنها با در اختیار داشتن ۷ درصد سطح زمین‌های قابل کشت ۲۲ درصد جمعیت دنیا را تغذیه می‌نماید در دستیابی به امنیت غذایی عملکرد موفقیت آمیزی را برای خود به ثبت رسانده است.

در حد ۳۰ تا ۵۰ درصد تولیدکنندگان محصولات دیگر محدود می‌شد. ضمن آنکه کشاورزی در مقابل دیگر حرفه‌های روستایی قدرت رقابت نداشت. این تصور دلیلی بر واقعیت نبود انگیزه برای کاشت غلات و در نتیجه کاهش نسبی میزان تولید آن می‌باشد.

### ج) افزایش هزینه‌ها

قبل از سال ۱۹۷۹ تحرک نیروی انسانی کشاورزی بسیار محدود بود. کشاورزان فقط در بخش کشاورزی اشتغال داشتند و فاقد مجوز فعالیت در خارج از این بخش بودند. با توجه به اثرات بالا بودن هزینه‌ها و پائین بودن سطح قیمت‌های تولیدکنندگان محصولات کشاورزی، قیمت نیروی کار انسانی در سطح پائینی نگهداشته می‌شد تا بدین وسیله از افزایش قیمت‌های محصولات کشاورزی جلوگیری شود. محدودیت تحرک برای نیروی انسانی کشاورزی همراه با از میان برداشتن خرید انحصاری دولتی از سال ۱۹۷۸ سست شد و از سال ۱۹۸۴ آزادی کامل تحرک برقرار گردید. تا سال ۱۹۸۸ حدود ۸۰ میلیون نفر، برابر با ۳۰ درصد کل نیروی انسانی شاغل در بخش کشاورزی، به دیگر بخشها جابه‌جا شدند. تعداد محدودی به شهرها مهاجرت کردند ولی بیشتر آنها در روستاها باقی ماندند و در زمینه‌های مختلف فعالیت‌های روستایی (کارهای ساختمانی و صنایع) یا بخش خدمات، (تجارت و رستوران‌داری) اشتغال یافتند. دلیل اصلی این جابه‌جایی افزایش شکاف درآمد بود. درآمد نیروی انسانی در بخش کشاورزی در حد ۱۰ تا ۵۰ درصد درآمد فعالیت در دیگر بخشهای اقتصاد روستایی از جمله صنایع روستایی، تجارت، رستوران‌داری و حمل و نقل محدود ماند (جدول ۱۲).

### د) اوراق قرضه

تشکیلات خرید دولتی، محصولات

کشاورزی را اغلب به صورت غیر نقدی با در اختیار گذاشتن اوراق قرضه دولتی خریداری می‌نمایند که کشاورزان سهمی از آن را پس از گذشت یکسال می‌توانند نقد کنند. با این روش علاوه بر عوارض ناشی از نبود بموقع نقدینگی، کاهش ارزش پول ناشی از تورم نیز به کشاورزان منتقل می‌شد. پرداخت بر اساس مکانیسم اوراق قرضه برای کشاورزان نامطلوب بود، بنحوی که در بسیاری از موارد در مقابل این روش مقاومت نشان دادند.

### ه) محدودیت ظرفیت فروش در بازارهای روستایی

کشاورزان قبل از آنکه اجازه داشته باشند محصول اضافی خود را به صنایع تبدیلی یا بازارهای روستایی بفروشند، موظف بودند حداقل ۸۰ درصد از تولید غلات خود را به تشکیلات دولتی با قیمت‌های تثبیت شده قرار دادی تحویل دهند. قیمت‌های جهت دهنده از سوی دولت تعیین می‌شود و سطح آن پائینتر از قیمت‌های آزاد در بازارهای روستایی است. از کل تولید، پس از تحویل حد اجباری و کسر حجم مورد نیاز برای خود مصرفی، میزان کمی برای عرضه در بازارهای روستایی باقی می‌ماند. تحت این شرایط حتی در صورت وجود قیمت‌های مناسب در بازار آزاد، بهبود درآمد قابل توجهی برای کشاورزان انتظار نمی‌رود.

### و) رایگانۀ مواد غذایی برای مصرف کنندگان شهری

برای تأمین مواد غذایی جامعه شهری، رایگانۀ زیادی پرداخت می‌شود. حجم رایگانۀ هزینه سنگینی برای بودجه دولت به بار می‌آورد. همچنین عامل ایجاد و افزایش ضایعات از سوی مصرف کنندگان خواهد شد. همانند کشورهای سوسیالیستی سابق قیمت‌های مصرف کنندگان برای مواد غذایی به میزان مشخصی پائینتر از قیمت‌های تولید کنندگان قرار دارد. این روش با ملحوظ کردن هزینه‌های حمل و نقل، هزینه‌های تبدیلی و

● هدف اصلی سیاست کشاورزی چین همچنان تأمین مواد غذایی از منابع تولید داخلی و ناوابستگی به واردات می‌باشد.

بازار محصولات، علاوه بر فشار بر اعتبارات مورد نیاز دولت، باعث اختلال در مکانیسم جریان کلان اقتصادی نیز می‌شود. استدلال به کار بستن رایگانه برای مقابله با فقر در جامعه شهری بعنوان سیاستی مناسب نمی‌تواند مورد تأیید و توصیه قرار گیرد. زیرا با به کار بستن این تدبیر گروه‌های اجتماعی با درآمدهای مناسب و ثروتمند شهرنشین نیز از امتیازات آن هم‌تراز با فقرا بهره‌مند می‌شوند. و در نتیجه، شکاف درآمدی عمیقتر می‌شود. ضمن آنکه، هدفگیری برای مبارزه با فقر باید از طریق برنامه‌های اجتماعی خاص و بسط فرصت‌های درآمدی امکان‌پذیر شود.

### استمرار مسیر اصلاحات

نارضایتی‌های مردم در اواسط و اواخر دهه ۱۹۸۰، بخصوص با توجه به تشدید تورم، افزایش رشوه‌خواری و نبود تعادل در توزیع درآمد، دلایلی برای تجمعات عظیم و مکرر اعتراض آمیز گروه‌های اجتماعی در سال ۱۹۸۹ شد. دولت برای رفع بحران حل مسایل ذیل را شرط لازم ثبات وضعیت سیاسی دانست.

(۱) از میان برداشتن فاصله قیمت‌های نازل خرید دولتی و قیمت‌های آزاد و بالای محصولات کشاورزی؛

(۲) گشودن مشکل نازل بودن منابع سرمایه‌گذاری دولتی کشاورزی، همچنین کاهش انگیزه تولید و سرمایه‌گذاری کشاورزی؛

(۳) ایجاد تعادل حجم رشد تولید میان بخش‌های صنایع و کشاورزی.

در ماه اکتبر کمیته مرکزی تصمیم بر «بسط دستورعمل اقتصادی و عمیقتر کردن عملیات اصلاحات» گرفت. براساس مصوبات جدید، بخش کشاورزی باید در برنامه‌های سرمایه‌گذاری و اعطای وام دولتی و همچنین تخصیص منابع در اولویت قرار گیرد. در مقطع اصلاحات گذشته، نسبت رشد تولید، میان بخش کشاورزی و صنعت، با تمایل به سود صنایع تغییر یافت. حدود

نسبت آن برای سالهای ۱۹۸۵ تا ۱۹۸۷ برابر یک به چهار و در سال ۱۹۸۸ برابر ۱ به ۶/۷ بود. در برنامه اصلاحات جدید می‌بایست نسبت رشد تولید میان کشاورزی و صنایع در حد ۱/۲۵ تا ۳ محدود بماند. این نسبت برابر رشد سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۴ و دوران شکوفایی رشد کشاورزی بود. در این طرح باید اولویت با افزایش تولیدات کشاورزی و ثبات تولید آن با مرکز ثقل افزایش مهمترین محصولات اساسی چون غلات، پنبه، دانه‌های روغنی و چغندر قند باشد. به منظور افزایش تولیدات کشاورزی و بخصوص تولید غلات ضرورت اقدامات ذیل مورد تأیید قرار گرفت:

یکم) قیمت‌های خرید قراردادی برای غلات، پنبه، دانه‌های روغنی باید افزایش یافته و گام به گام به قیمت‌های بازار نزدیک شود. هدف این بود که برای محصولات کشاورزی و صنعتی قیمت‌ها در نسبت‌های معقولی قرار گیرند.

دوم) برای تثبیت قیمت‌های خرید و فروش نهاده‌های تولید، توزیع آن چون گذشته تحت قیمت‌های تعیین شده زیر پوشش انحصار دولتی قرار گرفت. در صورت انجام تعهد قرارداد تحویل تولید گندم، پنبه و دانه‌های روغنی به دولت، تأمین کود شیمیایی و مواد سوختی برای کشاورزان با قیمت‌های ثابت دولتی تضمین خواهد شد.

سوم) میزان خرید دولتی تولیدات کشاورزی، برای دستیابی به حجم مورد نیاز، بسط پیدا نمود. بدین ترتیب آزادی بازار مجدداً محدود شد.

چهارم) در اثر سیاست بسته شدن بیش از ۴۰۰ هزار واحد صنعتی روستایی در سال ۱۹۸۹ توسط دولت، ۲/۵ میلیون نفر نیروی انسانی محل اشتغال خود را از دست دادند که نتیجه آن تشدید مسأله بیکاری و کاهش سطح درآمد شد. این سیاستها می‌توانست در کوتاه‌مدت بر رشد تولیدات کشاورزی تأثیر گذارد. استمرار اثر آن برای درازمدت پیش‌بینی نمی‌شود. نظر

● اقتصاد روستایی از شروع اصلاحات، توسعه موفقیت آمیزی داشت. در عین حال نظام ساختار اجتماعی روستایی با این روند هماهنگ نشد. نارسایی ساختار اجتماعی، مربوط به ضعف شاخه‌های آموزشی و بهداشتی از جمله کمبود مدارس و خدمات بیمارستانی و نیز وضعیت فقر روستایی است.

به اینکه محصولات اساسی غلات و دانه‌های روغنی، پنبه و چغندر قند، برای تأمین نیاز غذایی جامعه شهری و نیز بعنوان مواد خام صنایع با توجه به مواضع سیاستهای اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار است، دولت حاضر به تغییر قیمت‌های نازل مورد نظر برنامه، نمی‌باشد. برقراری مجدد قیمت‌های انحصاری دولتی برای نهاده‌های کشاورزی می‌تواند در کوتاه‌مدت موجب افزایش تولید شود. در درازمدت این سیاست در ارتباط با ضرورت توسعه تکنیک و تکنولوژی و عرضه نوآوری برای صنایع نهاده‌های کشاورزی اثرات مثبتی در بر نخواهد داشت.

محدودیت آزادی بازار در تقویت سیاست خرید دولتی مؤثر بود. افزایش کنترل واحدها در فروش محصولات کشاورزی و نیز بستن بازارهای روستایی در زمان برداشت محصول از جمله این سیاستها بود. این شرایط وضعیت بازاررسانی را پیچیده‌تر کرد. از جمله در سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰ که برداشت غلات پربار بود، تولید کشاورزان بیش از ظرفیتهای حمل و نقل، نگهداری و صنایع تبدیلی شد. واسطه‌های غیر دولتی نیز به دلیل محدودیت امکانات فیزیکی و مالی قادر به خرید محصولات اضافی نبودند. در نتیجه بازار با مازاد محصول و رکود مواجه شد. این وضعیت جنبه‌های منفی سیاست خرید دولتی را روشن می‌سازد. اگر سیاست قیمتگذاری محصولات کشاورزی را بخشی از سیاست اقتصاد کلان دولت بشناسیم که باید توسعه اقتصادی متوازن نتیجه‌اش باشد، سیاست به کار گرفته شده، قادر به تضمین چنین مکانیسمی نبود.

از میان برداشتن قیمت‌های تثبیت شده بدان معنی نیست که ضرورتاً قیمت‌های محصولات کشاورزی بطور مطلق در بازار آزاد تعیین شود. هر نوع نتیجه‌گیری از مسائل سیاست قیمت محصولات کشاورزی با عدم مطلوبیت مواجه خواهد شد اگر، در تحلیلهای ویژه‌های تولیدات

کشاورزی مورد نظر قرار نگیرند. تولیدات کشاورزی در مقایسه با تولیدات بخشهای صنایع و خدمات از تحرك کمتری برخوردار می‌باشند. این تفاوتها ناشی از تابعیت شرایط جوی و نوسانات تقاضا، تمایل زیاد مصرف کنندگان به محصولات این شاخه تولیدی، ضریب بالای خطر ضایعات، کاستی و امکانات نگهداری و نیز ساختار تولید خاص سنتی در این بخش می‌شود. بدون دخالت دولت نوسانات عرضه منجر به عدم ثبات قیمت‌ها می‌شود. وضعیتی که برای کشاورزی و مصرف کنندگان مطلوب نمی‌باشد. از مسئولیتهای سیاست قیمتگذاری برقراری ثبات قیمت و فراهم نمودن امکانات فروش است. با اعمال این سیاست باید برای تمام مشارکت کنندگان فرصت ایجاد امنیت اقتصادی مستحکم فراهم آید. نظام دخالتی دولت و سیستم قیمت هدایتی باید نقش مکانیسم برقراری ثبات را ایفا نماید و باعث توسعه متعادل و هماهنگ اقتصاد روستایی شود.

مکانیسم يك چنین نظامی از طریق قیمت‌های دخالتی و هدایتی دولت تنظیم می‌شود. در صورتی که کشاورزان موفق شوند محصولات را در سطح نزدیک به قیمت‌های هدایتی عرضه کنند، درآمد مناسبی کسب خواهند نمود. قیمت‌های بازار میان قیمت‌های جهت‌دهنده و قیمت‌های دخالتی تحت تأثیر زمان و میزان محصول در نوسان می‌باشند. در صورتی که قیمت‌ها به علت عرضه زیاد محصول و نبود امکانات فروش در بازار از مرز مشخصی (قیمت‌های دخالتی) پائینتر رود، دولت مازاد محصول را با قیمت‌های ثابت دخالتی خریداری خواهد نمود. تحت این شرایط سطح قیمت‌ها پائینتر نخواهد آمد. برعکس در شرایط کمبود برداشت، دولت ذخیره موجود در انبارها را به بازار عرضه خواهد نمود، تا از افزایش قیمت‌ها جلوگیری کند. این نظام قیمتگذاری در صورتی روان عمل خواهد کرد که اقدامات ذیل انجام پذیرد:

● نظام قیمت‌های نازل و ثابت دولتی برای تحویل اجباری و نیز قیمت‌های هدایتی (غلات، پنبه، دانه‌های روغنی) باعث جابه‌جایی درآمد از بخش کشاورزی به بخشهای غیر کشاورزی شد.



## جدول ۱۱: تغییرات قیمتهای دولتی خرید گندم، پنبه و فروش نهاده‌ها\*

سال محصول- نهاده	یون-تن		تغییرات قیمت درصد	
	۱۹۸۴	۱۹۷۸	۱۹۸۸	۱۹۸۴ به ۱۹۷۸
گندم	۳۹۵	۲۶۳	۵۶۴	۴۲
پنبه	۳۴۲۰	۲۲۸۰	۴۰۰۲	۱۷
کود شیمیایی	۲۳۷	۲۳۱	۵۴۰	۱۲۸
سموم دفع آفات	۱۴۲۳	۱۳۵۸	۷۸۷۷	۴۵۴

\* برای هر دو گروه میانگین قیمتهای هدایتی و تثبیت شده محاسبه شده است.  
مأخذ:

ZHONGGOU TONGJI NIANJIAN, Statistisches Jahrbuch Chinas. Jahrgänge 1989-1991, STAATLICHESAMT FÜR STATISTIK (Hrsg.), Beijing, 1991, S. 713-714.

## جدول ۱۲: مقایسه متوسط درآمد خالص فعالیتهای روستایی در سال ۱۹۸۷

حوزه فعالیت	متوسط درآمد خالص	
	سالانه- یون	شاخص
کشاورزی	۳۰۰-۴۰۰	کشاورزی = ۱۰۰
صنایع روستایی	۶۰۰-۸۰۰	۱۰۰
ساختمان روستایی	۱۰۰۰-۱۲۰۰	۲۰۰
تجارت روستایی	۱۳۰۰-۱۴۰۰	۳۰۰
رستوران‌داری روستایی	۲۰۰۰-۲۵۰۰	۳۸۵
حمل و نقل روستایی	۴۰۰۰-۴۵۰۰	۶۴۰
		۱۲۰۰

مأخذ:

GUO.S, Chinese Economic Reforms: Strategies, Achievements and Costs. In: Intertrade 1991, July, S.60-63.

● به کار بستن رایگانه برای مقابله با فقر در جامعه شهری نمی‌تواند به عنوان سیاستی مناسب مورد تأیید و توصیه قرار گیرد. زیرا با به کار بستن این تدبیر گروههای اجتماعی با درآمدهای مناسب و ثروتمند شهرنشین نیز از امتیازات آن هم‌تراز با فقرا بهره‌مند می‌شوند.

کنار گذاشتن تحویل اجباری و ایجاد مکانیسم رقابت و توسعه شبکه بازاری رسانی محصولات کشاورزی  
نظام جدید قیمتگذاری در صورتی قابلیت عمل خواهد داشت که تأثیر دولت بر بازار زیاد نبوده، بلکه کاملاً از میان برداشته شود و نقش دولت به تثبیت قیمتها و تنظیم تجارت خارجی محدود شود. با توجه به سابقه تاریخی، تشکیلات خرید دولتی از شرایط مناسبی از جمله ساختار زیربنایی، تجربه ظرفیت بازاری رسانی بعنوان مثال در ارتباط با وسایل حمل و نقل، تأسیسات انبار و نگهداری و منابع مالی برخوردار می‌باشد. حضور

و فعالیت قوی دستگاه خرید دولتی در سالهای متمادی، مانع توسعه سیستم بازاری رسانی محصولات کشاورزی توسط بخش خصوصی گردید. کوششهای مکرر برای برپایی تشکیلات تجاری تعاونی و خصوصی محصولات اساسی کشاورزی با عدم موفقیت مواجه شد. به منظور برقراری نظام تشکیلات خصوصی دارای ظرفیت رقابت برای بازاری رسانی، اولویت دادن به تشکیلات خرید دولتی باید از میان برداشته شود. به نحوی که تشکیلات خرید دولتی محلی و منطقه‌ای، باید بطور مستقل فعالیت اقتصادی داشته و در مقابل یکدیگر به رقابت پردازند.

همچنین باید از تغذیه مواد خام دولتی برای صنایع تبدیلی در سطح وسیع و باروش یکسان صرف نظر شود.

#### - تنظیم بازار به وسیله دولت

از طریق بسط سیاست ذخیره سازی برای محصولات اساسی کشاورزی، دولت قادر خواهد بود که بازارهای کشاورزی را تنظیم نماید و از این طریق جریان قانونمندی را برای فعل و انفعالات بازار و ثبات قیمتها از جمله از طریق دخالتهای خرید و فروش برقرار سازد.

#### - آزادسازی تأمین مواد غذایی شهری

رایگانه های فرآورده های غلات و روغن خوراکی برای جامعه شهری باید قطع شود. به علت افزایش درآمد در شهرها در ده سال گذشته این اقدام از دیدگاه سیاستهای اجتماعی نیز قابل توجیه خواهد بود. برای خانواده های کم درآمد باید سیاستهای پرداختهای ترمیمی و تعادلی دولتی را به کار گرفت.

#### - نظام اطلاعاتی بازار و قیمت

به منظور بهبود ساختار بازار، تدوین و اجرای سیاستهای بازار ضروری است. به علت کوچکی واحدها و کسریهای دیگر از جمله کم توسعه یافتگی شبکه اطلاع رسانی و ضعف شرایط کیفی کشاورزان، برای مدیریت واحدهای تولیدی، دستیابی به اطلاعات مربوط به وضعیت بازار در سطح وسیع امکان پذیر نمی باشد. شرط لازم برای برطرف کردن این کاستی، استفاده از تشکیلات دولتی برای تغذیه مالی تأسیسات اطلاع رسانی وضعیت بازار و تحولات قیمت محصولات کشاورزی است.

هدف اصلی سیاست کشاورزی باید بهبود بخشیدن به ساختار بازار و تقویت قدرت رقابت عرضه کنندگان محصولات کشاورزی باشد. اجزاء سیاست اصلاح ساختار بازار عبارت از جهت دادن تولیدکنندگان به سوی جوابگویی انتظارات کیفی بازار همراه با تجمع عرضه های پراکنده کشاورزان در مراکز عمده فروشی است.

تحت این شرایط، وضعیت بازاررسانی تولیدکنندگان بهبود یافته و ارتباط با خریداران بخصوص متقاضیان در صنایع تبدیلی سهولت می یابد. همچنین باعث تنظیم جریان مستمر و زمان بندی شده محصولات براساس تقاضای مصرف کنندگان و در نتیجه تغذیه محصول مورد نیاز بازار خواهد بود. به کارگیری چنین سیاست ثبات در قیمتگذاری کشاورزی به مفهوم آزادسازی بوده و باید وضعیت مطمئنی را برای مشارکت کنندگان در بازار به وجود آورد. بخصوص سیاست ثبات محصولات کشاورزی را باید بعنوان عنصر اصلی در مرکز ثقل سیاست ثبات اقتصاد کلان قرار داد.

### سیاست گذشته و گامهای آینده برای اصلاحات

از دیدگاه سیاست اقتصادی، فرایند تدابیر اقتصادی چین را می توان چنین تعبیر کرد که، سست کردن مواضع نظام گذشته و برقراری نظام اقتصاد بازار بعنوان وسیله ای برای حل مسائل و ایجاد ثبات نظام سیاسی به کار رفته است. از سوی دیگر به منظور حفظ قدرت و پاسداری از فلسفه ایدئولوژیک، دولت باید جریان پویایی خودکار، مستقل و دموکراتیک اقتصاد بازار را کند کرده و در کنترل داشته باشد.

بسط اصلاحات در اقتصاد بازار می تواند به مفهوم تهدید نظام سیاسی باشد. از طرفی عقب نشینی کامل از موضع سیاست کنونی باعث ایجاد مشکل در تأمین نیازها گردیده و زمینه افزایش ظرفیت گروه اعتراض را فراهم می سازد. عقب نشینی کامل بطور قطع مورد تأیید اکثریت افراد جامعه قرار نخواهد گرفت. به دلیل غیرقابل توقف بودن جریان اصلاحات و به منظور حفظ نسبی قدرت، دولت باید موضعی فعال داشته و در درازمدت برای تنظیم مکانیسم اقتصاد بازار و سیاستگذاری در اقتصاد روستایی چین معادله کارسازی طراحی نماید. در کوتاه مدت، میان مدت و درازمدت، اجزاء اصلاحات به شرح ذیل از

● نارضایتی های مردم در اواسط و اواخر دهه ۱۹۸۰، بخصوص با توجه به تشدید تورم، افزایش رشوه خواری و نبود تعادل در توزیع درآمد، دلایلی برای تجمعات اعتراض آمیز عظیم و مکرر گروه های اجتماعی در سال ۱۹۸۹ شد.

اولویت بر خوردار خواهد بود:

- نظام برنامه‌کنونی و بطور کلی سیاست اقتصادی و کشاورزی باید هر چه بیشتر بر اصول تحلیلهای فنی متکی باشد. به عبارت دیگر جریان برنامه باید بر اساس نوعی چارچوب سیاسی و اقتصادی پایه‌ریزی شود که بهره‌وری اقتصاد روستایی را افزایش داده و باعث سهولت استقرار و تکامل اقتصاد بازار شود.

- قیمت‌های مصرف‌کنندگان حاکم در بازار باید جانشین نظام پرهزینه برای تأمین مواد غذایی شود. همزمان شرط لازم آن برقراری مکانیسم کمک مستقیم برای گروههای نیازمند و فقیر از طریق ایجاد فرصتهای افزایش درآمدی می‌باشد. در اینصورت امکانات منابع اعتباری جدید برای وظایف فوری دولت، بخصوص سرمایه‌گذار بیهای زیربنایی فراهم خواهد گشت.

- نظام تحویل اجباری برای محصولات کشاورزی باید در کل از میان برداشته شود و بعوض آن مکانیسم نظام قیمت (ایجاد نسبت‌های متعادل قیمت بین محصولی) و ثبات قیمت جایگزین شود. بعلت تفاوت‌های وضعیت جوی با استفاده بهینه از منابع و تنظیم کشت منطقه‌ای، افزایش بهره‌وری و بهبود وضعیت تأمین نیاز افراد جامعه، انتظار می‌رود.

- بازارهای داده‌ها بخصوص برای کود شیمیایی، سموم دفع آفات و مواد سوختی نیز باید آزاد شود تا بدان وسیله ظرفیت توزیع و بهره‌وری این نهاده‌های محدود و مورد نیاز جوابگویی به تغذیه جامعه، افزایش یابد. در کوتاه‌مدت سیاست آزادسازی، باعث بهبود تأمین نهاده‌ها و سرمایه‌گذاری در صنایع داده‌های کشاورزی و نیز نوآوری تکنیکی خواهد شد. به موازات این تدابیر بهره‌وری ساختار حمل و نقل و بازرسانی نیز باید از طریق خصوصی‌سازی و بسط ساختار انگیزشی اقتصاد بازار افزایش یابد. با بهره‌وری از ظرفیتهای موجود حمل و نقل، امکانات ایجاد تعادل منطقه‌ای تولید محصولات تسریع و از تفاوت‌های منطقه‌ای کاسته خواهد شد.

- همراه با صنعتی شدن چون جریان توسعه دیگر کشورهای توسعه‌یافته، در درازمدت توان اقتصادی چین باعث تغییر ساختار بخش کشاورزی خواهد شد. با بزرگتر شدن اندازه واحدهای تولیدی، میزان فشار و ضرورت مکانیزه کردن واحدها افزایش می‌یابد. پس لازم خواهد بود که قواعد نظام توزیع زمین نیز مورد اصلاحات قرار گیرد بنحوی که امکانات قانونی حقوق جابه‌جایی زمین و در نتیجه بسط اندازه واحدهای تولیدی فراهم شود. مسأله تغییرات ساختاری بخصوص تشدید خواهد شد اگر، بر اثر توسعه بخشهای غیر کشاورزی، فرصتهای شغلی جدید فراهم آید.

- در صورت اصلاحات در اقتصاد بازار و کاهش بار دولت در ارتباط با این مسئولیت، در درازمدت وظایف دولت باید در زمینه برنامه‌های زیربنایی روستایی، پژوهشی، ترویج و آموزش، طرح و اجرای نظام اطلاع‌رسانی بازار، توسعه صنایع روستایی، نظام پر تحرک و همراه با کارایی معاملات (خرید و فروش) در کشاورزی و نیز سیاست زیست‌محیطی متمرکز شود. □

### منابع:

1. AHMAD, E.; YAN, W., Inequality and Poverty in China: Institutional Change and Public Policy, 1978 to 1988. In: The World Bank Economic Review, Vol. 5, Nr. 2, 1991, S. 231-257.
2. ANDERSON, K., Changing Comparative Advantages in China. Effects on Food, Feed and Fibre Markets. OECD, 1990.
3. APEDAILE, L. P.; Development Theory and Chinese Agriculture Development. In: Canadian Journal of Agricultural Economics, Vol. 37, Nr. 4, 1989, S. 953-974.
4. BAUER, S.; KESTING, M., Agricultural Policy in China - Application of Planning versus Market Principles. In: Quarterly Journal of International Agriculture, Vol. 31, No.2, 1992, S. 175-192.
5. BOHNET, A., Zehn Jahre Pre-issystemreform in der Volksrepublik China,

● اگر سیاست قیمت‌گذاری محصولات کشاورزی را بخشی از سیاست اقتصاد کلان دولت بشناسیم که باید به توسعه اقتصادی متوازن رهنمون شود، سیاست به کار گرفته شده، قادر به تأثیرگذاری چنین مکانیسمی نبود.

- novationsorientierte Untersuchung der Ländlichen Wirtschaft der autonomen Region Ningxia, Agrarwissenschaftlichen Dissertation, Gießen 1992.
17. SCHÄDLER, M., Neue Wege für Chinas Bauern-Produktion, Beschäftigung und Einkommen im nichtlandwirtschaftlichen Sektor, Hamburg 1989.
18. SCHÄDLER, M., Nichtagrarisches Produktion in den Ländlichen Regionen Chinas: Ihre Bedeutung für eine umfassende Ländliche Entwicklung. In: Nord-Süd aktuell 1991, Nr. 3, S. 412-422.
19. WANG, G., Chinas rural infrastructure, communication and transport facilities. In: LONGWORTH, J. W. (ed), Chinas rural development miracle, Australia 1989, S. 255-263.
20. WANG, G. H.; ZHOU, Z.Y.; DILLON, J.L., On the Reform of Rural Supply and Marketing Cooperatives in China. In: Agricultural Economics, Vol. 2, Nr. 1, 1988, S. 73-88.
21. WONG, L., Agricultural Productivity in China and India: A Comparative Analysis. In: Canadian Journal of Agricultural Economics, Vol. 37, Nr. 1, 1989, S. 77-93.
22. XIGANG, Z.; CHAPMAN, J., Rural Reforms in China: Current Challenges and Policy Aims. In: Quarterly Review of the Rural Economy, Vol. 10, Nr. 4, 1988, S. 404-414.
23. YE, M., Ländliche Einkommenspolitik in der Volksrepublik China, Agrarwissenschaftliche Dissertation, Gießen 1992.
24. ZENG, G., Ansätze einer innovationsorientierten Regionalpolitik in der VR China, Agrarwissenschaftliche Dissertation, Gießen 1992.
25. ZHONGGUO TONGJI NIANJIAN, Statistisches Jahrbuch Chinas. Jahrgänge 1989-1991, STAATLICHES AMT FÜR STATISTIK (Hrsg.), Beijing, 1991.
26. ZHOU, Y.-Z.; DILLON, J.L.; WAN, G.H., Development of Township Enterprise and Alleviation of Employment Problem in Rural China. In: Agricultural Economics, Vol. 6, 1992, S. 201-205.
- Berichte zur Wirtschafts - und Gesellschaftspolitik Chinas, Nr. 8, Gießen 1991.
6. ELZ, D., From Collectivization to Market Orientation-A Review of Agricultural Reforms in China. In: Quarterly Journal of International Agriculture, 1989, Vol. 28, Nr. 2, S. 154-165.
7. FEDER, G.; LAU, L.-J.; LIN, Y.; LUO, Y., The Relationship between Credit and Productivity in Chinese Agriculture: A Microeconomic Model of Disequilibrium. In: American Journal of Agricultural Economics, 1990, Vol. 72, Nr. 5, S. 1151-1157.
8. FAN, S., Regional Productivity Growth in China's Agriculture, San Francisco-Oxford 1990.
9. GUO, S., Chinese Economic Reforms: Strategies, Achievements and Costs. In: Intertrade 1991, July, S. 60-63.
10. JIANG, X.-K.; SCHINKE, E., Agrarpreispolitik in der Volksrepublik China. In: Agrarwirtschaft, Bd. 39, Frankfurt/ Main 1990, S. 343-347.
11. JOHNSTON, B. F., The Political Economy of Agricultural Development in the Soviet Union and China. In: Food Research Institute Studies, 1989, Vol. 21, Nr. 2, S. 97-137.
12. KOLLIN-HÜESSEN, V., Agrarreform in der Volksrepublik China seit 1978, Studien zur integrierten Ländlichen Entwicklung, No. 33, Hamburg 1990.
13. KOLLIN - HÜESSEN, V., Probleme der chinesischen Landwirtschaft, Manuskript, 1992 (erscheint in der Zeitschrift ASIEN).
14. LOUVEN, E. Wirtschaftsreform in Landwirtschaft und Industrie. In: DIE LAND-ESZENTRALE FÜR POLITISCHE BILDUNG BADEN-WÜRTTEMBERG (Hrsg.), Die Volksrepublik China, Stuttgart - Berlin-Köln - Mainz 1987.
15. LU, W.; AUGUSTIN, D., Überlegungen zur Entwicklung der landwirtschaft in der VR China, Berichte über Landwirtschaft, 1992, Bd. 70, S. 315-327.
16. PANG, J., Die Bestimmungsfaktoren der Ländlichen Entwicklung: Eine in-

● از اهداف سیاست  
قیمت گذاری برقراری ثبات  
قیمت و فراهم نمودن  
امکانات فروش است. با  
اعمال این سیاست باید برای  
تمام مشارکت کنندگان  
فرصت ایجاد امنیت  
اقتصادی مستحکم فراهم آید

## «آینده»

### به فرزندان ایران

صبح دامن می کشد بر باغ و دشت و کوهسار  
تیرگی گردد ز نور روز روشن شرمسار  
نیست رؤیا و فریب، آنک طلیعه صبحدم  
گوش بگشا، نغمه مرغان شنو از شاخسار  
من عیان بینم که آید روز و شب بپراکند  
عادت گردون چنین است از بگیری اعتبار  
جوشد از این چشمه های زندگی آبی شگرف  
آب نه، ماء طهوری، بس زلال و خوشگوار  
اورمزد آید به میدان، اهرمن را بشکند  
گیستی آرامش پذیرد از پس چندین دوار  
عاقبت ترسان و لرزان رو نهد سوی گریز  
لشگر سرمای دی از صولت باد بهار  
سبزه ها روید به کوه و لاله ها روید به دشت  
غنچه ها سر برزند، گلها شکوفه هر کنار  
باغها گردد تهی از بانگ ناهنجار زاغ  
راغها لبریز گردد از نواهای هزار  
بلبلان بر شاخ گل دستانسرایی ها کنند  
باش تا صوت کبوتر بشنوی از مرغزار  
کوه «دمباوند»، دستار از سر خود بفکند  
از سستیغش تا به دامن دید خواهی پرنگار



خرم و سرسبز بادی، ای بهار پیش رو  
تا که ایران هست و ایرانی بمانی پایدار  
(ایرج وامقی)

۱۳۵۰